

قطعه‌نامه در باره: اوضاع سیاسی، چشم اندازها و سیاست ما

در جنبش دانشجویی، که نطفه‌های آن از ۱۸ تیر ۱۳۷۸ قابل رویت بود، همان طور که موضع گیری آن در مورد نمایش انتخاباتی نهمین دوره ریاست جمهوری هم نشان داد، به گرایش غالب در این جنبش تبدیل شده است. این جنبش در زیر فشار شدید بوده و فعالان آن همواره در معرض محرومیت از تحصیل، بازداشت و حبس قرار دارند اما در عین حال، در تلاش برای تداوم حضور خود از یک استحکام نسبی برخوردار شده که رژیم دیگر قادر نیست به سهولت آن را قلع و قمع کند.

۵- جنبش روشنفکری در کشور ما نقش برجسته‌ای در تغییر فضای سیاسی و فراهم نمودن صحنه در جهت رشد و گسترش جنبش‌های دیگر دارد و به همین دلیل نیز همواره در زیر ذره بین و تهدید دائمی دستگاه‌های سرکوب قرار داشته است. طی دو سال اخیر و در اوج یک تازی دولت جدید، جنبش روشنفکری و فرهنگی و از جمله کانون نویسندگان ایران و گروه وسیعی از روزنامه نگاران، هنرمندان و و کیلان دادگستری، در مقابل تهاجمات نه تنها سکوت نکرده بلکه با جسارت تحسین برانگیزی، با نام و نشان، دست به اعتراض زده است. آزادی نشر کتاب و مطبوعات، بازهم محدودتر شده است، در عین حال، امکانات و تلاش‌های مبارزه با سانسور و مقابله با خفقان حاکم نیز افزایش یافته است. تشکیل و فعالیت هزاران سازمان غیر دولتی در عرصه‌های گوناگون مسائل و مطالبات جوانان، زنان، کودکان، محیط زیست و همیاری‌های اجتماعی، نشانه بارزی از این تلاش هاست. انواع دخالت‌های دولتی در امور این نهادهای مدنی و یا تلاش ارگان‌های حکومتی برای تابع نمودن آنها و مهمتر از اینها، برخورد امنیتی رژیم با آنها، همچنان مانع عمده رشد و گسترش آنهاست.

زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها نیز، همچون گذشته نقش مهمی در تداوم اعتراضات علیه سیاست‌های سرکوب و افشای ماهیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی داشته است.

معلمان و پرستاران ایران به مقاومت در برابر فشارهای فرسای اقتصادی و اختناق سیاسی ادامه داده و خواسته‌های صنفی و سیاسی شان را به اشکال گوناگون، مطرح و پیگیری کرده‌اند.

۶- حوادث دو سال گذشته در کردستان و خوزستان و اخیراً در آذربایجان، نیز نشان داد که جنبش‌ها و خواست‌های ملی همچنان یکی از مهمترین عرصه‌های چالش با جمهوری اسلامی است. با انکار حقوق دموکراتیک ملیت‌ها و اقوام ایرانی، رژیم حاکم کماکان بر سیاست سرکوب، زندان و اعدام و محو حقوق اولیه ملیت‌ها تاکید دارد و از هیچ فرصتی برای پیشبرد این سیاست فروگذار نمی‌کند. مقاومت مردم در برابر این سیاست و مقابله با ستمگری‌های روزمره و توسعه تلاش‌ها برای تامین حقوق ابتدائی، به همراه تاثیرات اوضاع جاری در منطقه، رشد و گسترش چشمگیری را در جنبش‌های ملی در چار گوشه ایران و به ویژه در کردستان، به وجود آورده است. حل مساله ملی بر مبنای اراده آزاد مردم هر منطقه در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و فرهنگی مردم کرد و عرب و بلوچ و ترکمن در اقصا نقاط ایران، همچنان در سر لوحه خواسته‌های این جنبش هاست و بدون تحقق این خواستها نیز استقرار دموکراسی در کشور ما غیر ممکن خواهد بود.

۷- فقدان ارتباط و هماهنگی کافی در میان حرکت‌ها و پیکارهای پراکنده در هر کدام از جنبش‌های جاری، و خاصه درون جنبش کارگری، و فراتر از آن، فقدان پیوند لازم در بین جنبش‌های اجتماعی، با وجود اهداف مشترک و اشتراکات بسیار آنها، همچنان ضعف بزرگ آنها در فراروئی به جنبش فراگیر و

۱- همراه با وخامت اوضاع و تشدید بحران در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و به رغم تداوم سرکوبگری‌های رژیم جمهوری اسلامی که بحران‌سازی در مناسبات خارجی را نیز وسیله‌ای برای تیز کردن تیغ سرکوبش در داخل و همچنین پوششی برای در ماندگی اش در پاسخگویی به مطالبات بیشمار مردم کرده است، دو سال گذشته شاهد گسترش و اوجگیری جنبش‌های اجتماعی در زمینه‌ها و اشکال گوناگون بوده است. در واقع، یکی از انگیزه‌های روی کار آوردن دارو دسته نظامی - امنیتی احمدی نژاد نیز، تلاش رژیم برای مقابله شدیدتر و مهار جنبش‌ها بوده است.

۲- طبقه کارگر ایران، در شرایطی سخت و طاقت فرسا، مبارزه برای حق حیات و کار را به پیش می‌برد. تعرض به حقوق اولیه کارگران، عدم پرداخت بموقع دستمزدهای اندک، معلق کردن رسمی قانون کار موجود در مورد بخش اعظم کارگاه‌ها و بنگاه‌ها، حاکم شدن "قانون جنگل" در روابط کار را کاملاً آشکار ساخته است. صدها حرکت اعتراضی، اعتصاب، تحصن و بستن جاده‌ها از سوی کارگران معترض به وقوع پیوسته که غالب آنها برای مطالبه دستمزدهای عقب افتاده و یا مقاومت در برابر اخراج‌های دسته جمعی بوده است. اما مهم‌ترین تحول سال‌های اخیر، تلاش‌های گسترده گروه‌های زیادی از کارگران برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری بوده است که نمونه برجسته آن، مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است. کارگران شرکت واحد با اقدام به احیای فعالیت سندیکای خود، برای اولین بار در ربع قرن گذشته، پرچم یک تشکل مستقل صنفی در یک بنگاه بزرگ خدماتی را برافراشتند و خواست کارگران را در متشکل شدن برای دفاع از حقوق خود عملی ساختند. اگر چه با تهاجم همه جانبه رژیم در زندانی کردن رهبران سندیکا، گروگانگیری خانواده‌های فعالان سندیکایی و دستگیری بیش از هزار نفر از کارگران شرکت واحد، این مبارزات به نتیجه مطلوب نرسیده است اما، این حرکت، که حمایت وسیع فعالین جنبش‌های اجتماعی و نیروهای سیاسی و نیز مجامع کارگری در سطح بین المللی برخوردار شده، آغازگر روندی در جنبش کارگری ایران است که جمهوری اسلامی قادر به توقف آن نخواهد بود.

۳- آخرین نمونه گردهمایی و حرکت اعتراضی زنان در تهران، در خرداد گذشته، نیز به روشنی نشان داد که جنبش زنان از پایدارترین و دامنه دارترین جنبش‌های اجتماعی در ایران است و تهدیدات، فشارها و هجوم وحشیانه قدراندان خامنه‌ای و احمدی نژاد هم نمی‌تواند آن را متوقف نماید. زنان کشور ما اولین قربانیان سیاست تبعیض رسمی و قانونی در جمهوری اسلامی بوده‌اند و همواره در اشکال مختلف به مقاومت در برابر آن برخاسته‌اند. در دو سال گذشته هم تلاش‌های گسترده‌ای در میان فعالان جنبش زنان برای تغییر قانون اساسی و دیگر قوانین، جهت رفع تبعیضات قانونی و تامین برابر حقوقی کامل با مردان، در قالب فعالیت کانونها، تشکیل انجمن‌ها، برگزاری اجتماعات و انتشار نشریات مختلف، صورت گرفته و چهره خشن و غیر انسانی نظام کنونی را، بیش از پیش افشا کرده است.

۴- جنبش دانشجویی ایران به تلاش‌ها و پیکارهای خود برای تامین حقوق صنفی و سیاسی، و خصوصاً در دوره اخیر، برای مقابله با سیاست‌های دولت جدید در جهت اسلامی کردن بازهم بیشتر محیط‌های دانشگاهی و آموزشی و اعمال سلطه نهادهای مذهبی بر آنها، ادامه می‌دهد. این جنبش همچنین، نقش واسط بسیار مهمی در اشاعه فرهنگ مقاومت در برابر استبداد و بی حقوقی و اعلام همبستگی با دیگر جنبش‌های جاری اجتماعی (اعتراضات به وضعیت زندانها و زندانیان سیاسی، بازداشت و بلاگ نویسان و غیره) ایفا می‌کند. گرایش به استقلال

اصلاح طلبان سابق را جذب کرده و ظرفیت خود را به عنوان «محلل» یا حلقه واسطه در حل مناقشات و بحران‌های درونی حکومت نگهدارند. بخشی از گردانندگان و عناصر این جناح، و به ویژه خاندان رفسنجانی، طی دو دهه گذشته ثروت‌های گزافی به چنگ آورده و سرمایه‌های کلانی در داخل و خارج انباشته‌اند که، صرفنظر از «دغدغه حفظ نظام» که مورد اشتراک همه دستجات حکومتی است، به هیچ وجه حاضر نیستند آنها را در معرض مخاطرات داخلی و خارجی قرار بدهند. به همین دلیل نیز، عوامل این جناح در حکومت اکنون در جستجوی «راه کار»ی برای حل بحران اتمی جمهوری اسلامی به خاطر جلوگیری از خطر مسدود شدن حساب‌ها، محاصره اقتصادی و یا تهاجم نظامی خارجی هستند.

۱۲- جناح تمامیت خواه که همگی در تبعیت از ولی فقیه، به منزله سرکرده جناح، همدستانند، عملاً از سه دسته مختلف تشکیل می‌شوند: اول دارو دسته شخص خامنه‌ای، که به عنوان «کارگزاران» وی ریاست یا کنترل بخش بزرگی از ارگانهای حکومتی را در دست دارند، دوم جریانات و کادرهای سنتی تر این جناح که در نهادهائی چون شورای نگهبان، «جامعه روحانیت»، «جمعیت مؤتلفه»، «آبادگران» و غیره حضور دارند و سوم دسته‌ای از فرماندهی سپاه و بسیج رژیم و تعدادی از مسئولان نهادهای امنیتی و انتظامی قبلی و فعلی و ارگانهای دیگر که حول محور ریاست جمهوری احمدی نژاد گرد آمده‌اند. دولت جدید هم دولتی ائتلافی است که پست‌های آن، به نسبت‌های متفاوت، بین این سه دسته اصلی تقسیم و تصاحب شده است. دسته اخیر که بتازگی به مقام و موقعیت‌های فعلی خود رسیده است، گروه‌هایی از مسئولان و عوامل ارگانهای امنیتی و نظامی رژیم، «انصار حزب اله»، انجمن‌های مذهبی حکومتی، بنیادهای اقتصادی و نهادهای مشابه آنها هستند که غالباً از جمله عاملان ترور، بازداشت و شکنجه مخالفان، ایجاد و اداره زندان‌های مخفی، حمله به اجتماعات مردم و مراکز فرهنگی، سانسور و توقیف مطبوعات و غیره بوده‌اند. این دسته، در دوران دولت اصلاح طلبان حکومتی و در روند مقابله آنها و به واسطه این گونه اقدامات و تهاجمات، نقش و موقعیت نسبتاً بالاتری در درون حکومت پیدا نموده و به یکی از نقاط اتکای اصلی نهاد ولایت فقیه تبدیل شده است. به غیر از یرخی اقشار متحجر و متعصب مذهبی که هنوز از این دستجات طرفداری می‌کنند، بخش غالب پایگاه اجتماعی این جناح را افراد و عناصر جیره بگیر رژیم، با عناوین گوناگون، تشکیل می‌دهند.

۱۳- تنزل نسبی موقعیت روحانیت و متقابلاً، ارتقای موقعیت فرماندهی سپاه و بسیج در ساختار حکومتی یکی دیگر از جا به جایی‌های مهم در سالهای اخیر بوده است. بیزاری روزافزون توده‌ها از حکومت ملایان و بدنامی بیشتر عناصر سابقه دار و سرشناس رژیم، توسل بیش از پیش ولی فقیه به نیروهای نظامی و امنیتی برای عقب راندن رقیبان و همچنین سهم خواهی افزونتر بخشی از فرماندهان سپاه و مسئولان امنیتی، موجب آن شده است که اکنون دیگر سپاه پاسداران تنها سرنیزه سرکوبگری و فقط حافظ قدرت حکومت اسلامی نیست، بلکه خود شریک روحانیت در این قدرت است. این امر نه تنها «قاعده بازی» تاکنونی در میان جناح‌های حکومتی را بر هم می‌زند، بلکه موقعیت خود ولی فقیه را هم در برابر توقعات و جاه طلبی‌های فرماندهان نظامی شکننده تر می‌کند.

۱۴- بازگشت به گذشته یکی از شعارها و سیاست‌های دولت جدید است که خود را «دولت اسلامی» می‌نامد و در اندیشه ایجاد «جامعه اسلامی» و نهایتاً «حاکمیت جهانی اسلام» است. بازتاب بلاواسطه این سیاست، تشدید خفقان، سرکوب و سانسور، فشار بیشتر بر زنان و جوانان و محدودیت افزونتر بر فعالیت‌های هنری و فرهنگی و انجمن‌ها و نهادهای مدنی و متقابلاً ترویج بیشتر تعصبات و خرافات مذهبی، اعطای کمک‌های کلان به «حوزه‌ها»، راه اندازی «کاروان‌های زیارتی»، تبدیل دانشگاه به گورستان جانباختگان جنگ ویرانگر و نظایر

سراسری علیه استبداد و حاکمیت جمهوری اسلامی و برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است.

۸- عدم شکل‌گیری تا کنونی جنبش مقاومت سراسری در مقابل استبداد مذهبی و نبود اپوزیسیون مستقل نیرومند، کماکان از عوامل عمده ادامه حاکمیت رژیم است که بیش از هر زمان دیگر متکی به سرنیزه است و با حیف و میل و تاراج ثروتها و دارائی‌های عمومی سعی در حفظ بساط خود دارد. اما تداوم و گسترش جنبش‌های اجتماعی و همچنین مسائل و تحولات منطقه‌ای نیز به نوبه خود، دگرگونی‌هایی در صف بندیهای سیاسی حکومت و درون جناح‌های حکومتی پدید آورده است.

۹- تعیین محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری رژیم، بعد از تصرف مجلس در دو سال پیش، گام مهم دیگری در کنار زدن رقبا و تصاحب همه قوا و تمرکز بیشتر قدرت و یکدست تر کردن نسبی حکومت به نفع خامنه‌ای و جناح وی، جناح تمامیت خواه بوده است. اکنون تمامی قوای سه گانه رسمی، به علاوه ارگانهای متعدد دیگر، در اختیار این جناح است و از این لحاظ نیز، مستقیماً در معرض اعتراضات و مبارزات مردمی قرار دارد. برگزاری انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، نمایش دیگری از تقلب، دغلبازی و بی‌اعتباری حکومت بود. با وجود همه تمهیدات آن، طبق ارقام رسمی، حدود ۲۰ میلیون نفر از دارندگان حق رای از شرکت در آن خوداری کردند. هر چند که تبلیغات انتخاباتی پیرامون رسیدگی به «مشکلات معیشتی» و «مسائل جوانان» و نظایر اینها در کشاندن اقساری از مردم به پای صندوق‌ها و دادن رای به کاندیداهایی مانند کروی و احمدی نژاد، تا اندازه‌ای، موثر بوده، و اگر چه بی‌اعتباری اصلاح طلبان حکومتی و بی‌آبرویی گسترده رفسنجانی، در ترکیب نهائی آرای نامزدها تاثیر داشته است، اما عامل تعیین کننده در «پیروزی» احمدی نژاد، همانا دخالت وسیع و سازمان یافته جناح خامنه‌ای، «بیت رهبری» با کارگردانی شورای نگهبان و اجرای سپاه پاسداران و بسیج و برخی نهادهای وابسته دیگر، در جریان اخذ و شمارش و اعلام آرا بوده است. این جناح که حتی قادر به توافق بر سر کاندیدای واحدی هم نشده بود، توانست با تبانی و تمرکز عمده نیروهای «حزب پادگانی» خود بر روی نامزد نا شناخته تر و بهره‌گیری از تاکتیک «حرکت با چراغ‌های خاموش»، رفسنجانی و طرفدارانش را که در انتظار بازگشت مجدد «سردار سازندگی» به مسند ریاست جمهوری بودند، غافلگیر کند. اما نحوه برگزاری و سرهم بندی دو انتخابات اخیر بر همگان آشکار کرد که جناح غالب حکومتی حتی دیگر حاضر به پذیرش انتخاب در محدوده تنگ و اختصاصی «خودی»‌ها نیز نیست. رسوائی بی‌سابقه دو انتخابات اخیر، بیش از هر زمان دیگری، فقدان مشروعیت واقعی این حکومت را کاملاً بر ملا ساخت.

۱۰- اصلاح طلبان حکومتی، که هنوز حضور کم‌رنگی در مجلس، رسانه‌ها و بعضی نهادها و انجمن‌ها دارند، در پی شکست آشکار و تصفیه‌های اخیر، بیش از دیگر جناح‌ها تضعیف شده‌اند. آنها بعد از هشت سال حضور در راس قوه مجریه، فقط موقعیت خود را در حکومت از دست نداده‌اند، با بحران هویت، تشتت درونی و از دست دادن بخش بزرگی از پایگاه اجتماعی شان رو به رو هستند. ناتوانی اصلاح طلبان در عمل به وعده‌هایشان، تزلزل در مواضعشان در تمامی عرصه‌ها به غیر از «حفظ نظام» که «دغدغه» و انگیزه اساسی آنها بوده، انفعال و بی‌ارادگی در مقابل تهاجم نیروهای مخالف اصلاحات در درون حکومت و نادیده گرفتن بخش بزرگی از خواسته‌های عادلانه توده‌ها، عوامل اصلی شکست دیروز و بی‌هویتی امروز آنهاست.

۱۱- رفسنجانی و دار و دسته او، که هنوز در «مجمع تشخیص مصلحت نظام» در میان بخشی از روحانیت، اقلیت مجلس، مطبوعات، مدیریت بعضی از بنگاه‌های دولتی و خصوصی و غیره، حضوری فعال دارند، می‌کوشند که در برابر تهاجمات جناح غالب، حتی‌الامکان نیروها و پایگاه خود را حفظ و بخشی از

پادشاه مشروط می کنند. از یک سو جریانات مذهبی که رسماً جدائی نهاد دین از نهاد دولت را پذیرفته اند، در این زمره اند و از سوی دیگر طرفداران بازگشت به مشروطه سلطنتی، در این گروه بندی قرار دارند. گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه، سلطنت طلبان، دشمنان دیرین دموکراسی و استقلال را به تکاپوی تازه ای انداخته است و برخی جریانات دیگر نیز از هم اکنون به این حضور و استفاده از آن برای تغییر رژیم، امید بسته اند.

۱۷- طی دوره اخیر، روند اوضاع سیاسی و اجتماعی در داخل، بیش از پیش در معرض تاثیرات تحولات منطقه ای و جهانی واقع شده است. دولت آمریکا، در تعقیب اهداف امپریالیستی (۱) و اجرای نقشه های درازمدت خود در خاورمیانه، تحت عنوان "خاورمیانه بزرگ" حضور و نفوذ را در این منطقه گسترش می دهد. عراق و افغانستان همچنان زیر اشغال نظامی آمریکا و متحدانش هستند و ایران، سوریه، لبنان و فلسطین هم آماج عمده دیگر آن نقشه ها را تشکیل می دهند. رژیم جمهوری اسلامی که خود سابقه ای طولانی در تنش آفرینی و دخالت جوئی در امور همسایگان و دیگر کشورهای منطقه داشته و از جریانات افراطی اسلامی مثل "حزب الله" در لبنان، "جهاد اسلامی" و "حماس" در فلسطین نیز حمایت می کند، با بهره گیری از نابسامانی های افزونتر اوضاع منطقه در پی تهاجم نظامی آمریکا و متحدین آن، و با روی کار آوردن دارودسته احمدی نژاد، شدت و وسعت بیشتری به این گونه اقدامات خود داده است. اکنون جمهوری اسلامی در مرکز توجه دولت آمریکا در منطقه قرار دارد. این دولت با انگشت گذاشتن روی ماجراجوئی های اتمی رژیم حاکم بر ایران، توانسته است دیگر قدرت های غربی و بخش مهمی از کشورهای جهان را هم به این نتیجه برساند که نه تنها استمرار حمایت های این رژیم از جریانات مذهبی افراطی و تروریستی، بلکه ادامه برنامه های اتمی آن هم خطری برای صلح جهانی است.

چشم اندازها

۱۸- در حالی که با تداوم و تشدید بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم، نیازهای اساسی چون آزادی و تنفس در فضای آزاد، کار و اشتغال، بهداشت و درمان و آموزش، مسکن، آسایش و صلح برای اکثریت عظیم مردم ایران بیش از هر زمان دیگری محسوس و مبرم گشته است، چشم انداز نزدیک تحولات کشور ماقبل از همه به چگونگی حل بحران اتمی جمهوری اسلامی گره خورده است.

۱۹- هدف استراتژیک دولت آمریکا در مورد ایران، بعد از یک دوره امید به تحولات درونی جمهوری اسلامی، در اساس تلاش برای تغییر رژیم ایران یا تبدیل آن به یک رژیم مطلوب آمریکا با استفاده از هر وسیله ممکن است و پرونده اتمی جمهوری اسلامی امکان عملی کردن آن را بیش از همیشه فراهم کرده است. بخش غالب هیات حاکمه فعلی آمریکا، در صدد اجرای "طرح عراق" و یا در مساعدترین حالت، پیشبرد "الگوی لیبی" در مورد جمهوری اسلامی است. لکن جناح غالب جمهوری اسلامی، با رجز خوانی، قدرت نمائی و یا نمایش "ورود به باشگاه اتمی" می خواهد که از الگوی "کره شمالی" پیروی کند.

۲۰- اتحادیه اروپا که همواره تلاش نموده است با دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی، جمهوری اسلامی را به دست کشیدن از ماجراجوئی های اتمی و به تعدیل در سیاست های منطقه ای خود ترغیب کند، بعد از شکست آخرین مذاکرات مستقیم و از سرگیری فعالیت های غنی سازی اورانیوم به وسیله رژیم، با ارجاع پرونده اتمی ایران به "شورای امنیت" موافقت کرده و عملاً در کنار دولت آمریکا قرار گرفته است. روسیه و چین به دلایل گوناگون با اعمال تحریم های اقتصادی و به طریق اولی اجرای "طرح عراق" در مورد ایران از مسیر "شورای امنیت" همراهی ندارند. اما با ادامه ماجراجوئی های رژیم و با توجه به مجموع ملاحظات بین المللی، تغییر موضع این دولتها نیز بعید به نظر نمی رسد. مجموعه پیشنهادهای

اینهاست. تنش آفرینی، ستیزه جویی و بحران سازی در روابط خارجی و در صحنه منطقه ای و جهانی، یکی دیگر از شگردهای "دولت اسلامی" است که طرح شعارهای یهودستیزانه و نژادپرستانه و تشکیل گروه های "عملیات استشهادهای (انتحاری) از نمونه های آشکار آنست. اما در اثر این قدرت نمائی ها و تحریکات، بحران ناشی از ماجراجویی های اتمی جمهوری اسلامی که از چند سال پیش شروع شده، طی یک سال گذشته شدت و دامنه افزونتری یافته، به یک بحران بزرگ بین المللی تبدیل گردیده و خطر تقابل و رویارویی با جامعه جهانی را دو چندان ساخته است. شعارهای "پوپولیستی" اسلامی دولت احمدی نژاد در باره "بردن پول نفت بر سر سفره های مردم" ضمن آن که عملاً درآمدهای سرشار نفتی را هرچه بیشتر در معرض چپاولگری نهادها و بنیادهای حکومتی موجود و ارگانها و گروه های تازه به قدرت رسیده می گذارد، با تخریب وسیع تر شالوده تولیدی اقتصاد و دامن زدن به تورم شدید قیمتها، باقی مانده قوت لایموت محرومان و زحمتکشان را نیز از سفره آنها می رباید.

۱۵- چارچوب اصلی سیاست اقتصادی این دولت نیز همان سیاست معروف "تعدیل اقتصادی" است که در عمل، تلفیقی از لیبرالیسم افسارگسیخته و یکه تازی انواع نهادها و بنیادهای مافیایی دولتی، خصوصی و اختصاصی وابسته به سران و وابستگان جناحها و دستجات حکومتی است. بحران اقتصادی گریبانگیر جامعه ما در دوره گذشته حادث شده و با ادامه و اجرای سیاستهای دولت جدید نیز شدیدتر می شود. اقتصاد ایران، به رغم برخورداری از درآمدهای نفتی - که در چند سال اخیر به سطح کاملاً بیسابقه ای رسیده است - نه توان پاسخگویی به نیازهای اساسی اکثریت مردم را دارد که با گرانی و فقر فزاینده روبرو هستند، نه امکان رقابت با صنایع و تولیدات خارجی را دارد که تعطیلی و بسته شدن روزانه کارخانه ها و کارگاه ها گواه آنست و نه قدرت ایجاد اشتغال برای نیروی کار که روز به روز معضل بیکاری شدیدتر می شود. بیش از ۵ میلیون از جوانان و جویندگان کار در ایران از مساله بیکاری رنج می برند که نزدیک به یک میلیون نفر از آنها را تحصیل کرده های دانشگاهی تشکیل می دهند. مساله فقر در جامعه ما، که از ثروتهای طبیعی و انسانی زیادی برخوردارست، چنان ابعادی یافته است که ۳۰ تا ۴۰ درصد مردم زیر خط فقر مطلق به سر می برند. این امر به نوبه خود، نشانه روشنی از تشدید بی سابقه نابرابری در توزیع درآمدهاست. رواج بیکاری، گسترش فقر، تشدید نابرابری ها و تبعیضات، اشاعه فساد، تن فروشی، اعتیاد، قاچاق و انواع آفات و بزهکاری های اجتماعی را به دنبال آورده است. رواج یاس، نومیدی و بی چشم اندازی، به ویژه در میان جوانان، از نتایج مسلم شرایطی است که حاکمیت جمهوری اسلامی بر جامعه تحمیل کرده است.

۱۶- اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز طی سال های اخیر شاهد دگرگونی در صف بندی های درون خود بوده است. شکست اصلاح طلبان حکومتی، که بر توهم "دموکراسی دینی" نقطه پایان گذاشت و تحولات داخلی و بین المللی مختلف اثرات پا بر جایی در صفوف درونی اپوزیسیون بر جای نهاده است. اکنون عمده ترین صف بندیهای درون اپوزیسیون ایران را می توان به ترتیب زیر ارائه کرد:

الف - نیروهایی که خواهان حق حاکمیت مردم هستند. دولت را تابع رای و اراده مردم می دانند. بر جدائی دین از دولت تاکید می کنند و هر گونه حکومت مذهبی و هر گونه بازگشت به سلطنت را منتفی دانسته خواستار استقرار جمهوری هستند. اکثر جریانات، احزاب و شخصیت های دمکرات و چپ ایران، در زمره این نیروها هستند. این بخش اپوزیسیون بزرگترین پتانسیل را در میان آزادیخواهان و جنبش های اجتماعی دارد. گر چه از نبود پیوندهای ضروری با آن جنبش ها رنج می برد.

ب- نیروهایی که از حکومت مشروطه، چه اسلامی و چه سلطنتی آن، دفاع می کنند و در واقع حق حاکمیت مردم را به مذهب و متولیان مذهبی یا حق موروثی

امکان پذیر نیست. نخستین گام برای خروج از نابسامانی های موجود و حل بحران های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران، برپیده شدن بساط جمهوری اسلامی و حاکم شدن اراده و انتخاب مردم بر سرنوشت کشور است.

سیاست های ما

۲۶- هدف مقدم ما استقرار یک جمهوری دموکراتیک و لائیک به جای جمهوری اسلامی است. برای تحقق این امر ما همه نیروهای دموکرات، چپ و آزادیخواه، همه فعالان جنبش های اجتماعی و مدنی، شخصیت ها، جریانات و احزاب ملی را به همکاری و اتحاد برای ایجاد یک نظام متکی بر اراده مردم ایران فرا می خوانیم. شرط ایجاد چنین نظامی، احترام به عقیده و مذهب هر شهروند، جدائی کامل دین از دولت، پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و اجتماعی، رفع هر گونه تبعیض بر اساس جنسیت، ملیت، مذهب و نژاد، برابر حقوقی زنان با مردان، به رسمیت شناختن موازین حقوق بشر و تابعیت همه قوانین از رای مردم است.

۲۷- ما خواستار تحولات بنیادین و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران هستیم. از نقطه نظر ما نیروی تحول در ایران جنبش های سازمان یافته و خودآگاه اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و مهمترین آنها جنبش رو به گسترش کارگران و زحمتکشان است. پیوند میان مبارزات آزادیخواهانه و مبارزات عدالت طلبانه توده های مردم از نیازهای اساسی گسترش و تقویت این مرحله جنبش های جاری اجتماعی است که پیکارهای جمعی جسورانه کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی و اجتماعی، نمونه برجسته ای از تلفیق میان آن ها را به نمایش می گذارد. ما در جهت تحکیم موقعیت این جنبش ها بمثابه تنها ضامن برچیدن بساط استبداد و منتفی شدن هر گونه بازگشت آن و بی حقوقی در هر شکل دیگر، تلاش می کنیم.

۲۸- ما خواستار نزدیکی هر چه بیشتر نیروهای جمهوریخواه دمکرات و لائیک هستیم و تلاش در این عرصه یکی از محوری ترین عرصه فعالیت سازمان ما را تشکیل می دهد. ما جمهوری را شکل حکومتی دموکراتیک برای ایران دانسته و منشا موروثی و یا الهی برای حکومت را مغایر با حق حاکمیت رای مردم و مشروط نمودن آن می دانیم.

۲۹- ما در جهت همگرایی و اتحاد گسترده در میان نیروهای چپ ایران برای ایجاد یک قطب نیرومند مدافع حقوق کارگران و دیگر مزدبگیران ایران تلاش می کنیم. و نزدیکی و همسوئی نیروهای چپ و قدرتمندی آن ها را تضمینی برای استقرار دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی در آینده کشور می دانیم. سازمان ما هر گونه همکاری نیروهائی که برای سوسیالیسم می رزمند در این راستا ارزیابی کرده و اقدامات در این عرصه را جزو فعالیت های دوره آتی خود می داند. (۲)

۳۰- تبعیض و ستم ملی ملی در ایران، مساله ای واقعی است که انکار آن به هر عنوان، کمکی به حل آن نمی کند. تلاش برای حل دموکراتیک و مسالمت آمیز مساله ملی بر مبنای اراده آزاد مردم هر منطقه در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و فرهنگی مردم ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن بسیار اهمیت دارد.

۳۱- ما از گسترش مبارزات صنفی، مطالباتی و سیاسی در میان کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، ملیت ها و اقلیت های مذهبی و دیگر گروه ها و اقشار اجتماعی دفاع می کنیم و بر همبستگی آنها تأکید می کنیم. از هر گونه تلاش کارگران و فعالین سندیکایی برای احیاء و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری استقبال می کنیم، تقویت تشکل های مستقل زنان را امری حیاتی برای رفع تبعیض علیه زنان می دانیم، از ایجاد تشکل های مستقل و سراسری دانشجویان و اساتید دانشگاه ها و معلمان برای دفاع از حقوق خود پشتیبانی می نمایم. با جنبش برای رفع ستم ملی اعلام همبستگی می

متضمن "تشویقها" و "تهدیدات" مختلف در مورد برنامه هسته ای و مناسبات خارجی جمهوری اسلامی، که اخیرا از جانب پنج دولت عضو دائمی "شورای امنیت" و دولت آلمان به رژیم ارائه شده، بروشنی بیانگر آنست که قدرت های بزرگ جهانی حاضر به پذیرش دستیابی احتمالی این رژیم به سلاح اتمی نیستند. حتی در صورت عدم توافق اعضای دائمی "شورای امنیت" نیز اعمال تحریم اقتصادی و یا تهاجم نظامی یکجانبه از طرف دولت آمریکا و متحدانش دور از انتظار نیست.

۲۱- رژیم حاکم می کوشد که با تحریک احساسات و "غرور ملی" در داخل و بهره برداری از حساسیتهای و تعصبات بخشی از مسلمانان جهان، با تکرار تهدیدات در توسعه تروریسم اسلامی، استفاده از "سلاح نفت" و بستن تنگه هرمز، خروج از "پیمان منع گسترش" سلاح های اتمی و به طور کلی، با بالا بردن هزینه های اعمال مجازات های اقتصادی و یا تهاجم نظامی برای دولت آمریکا و دیگر قدرتهای جهانی آنها را ناگزیر از انصراف از اجرای آن مجازاتها و مذاکره با رژیم نماید. ولی پیشبرد این سیاستها در عمل خطرات تحریم و جنگ با همه تبعات فاجعه بار آنها را افزایش داده و بازمه افزایش می دهد.

۲۲- بحران سازی های جمهوری اسلامی به واقع می تواند فجاج بزرگ دیگری برای جامعه ما به بار آورد اما تقلاهای رژیم برای بازگرداندن عقربه های زمان ثمری نخواهد داشت. بازگشت به شعارها و سیاستهای آغازین جمهوری اسلامی بر شدت خفقان و سرکوب می افزاید، ولی قطعا نمی تواند جنبش های اجتماعی جاری را متوقف سازد. نه فقط شرایط بین المللی و جامعه جهانی امروز بلکه اساسا وضعیت حاضر جامعه ما نسل جوانی که در این دوران سربرآورده است اجازه چنین بازگشتی را نخواهد داد.

۲۳- در درون حکومت نیز اراده واحدی پشت همه سیاستهای کنونی وجود ندارد. نحوه قبضه قدرت توسط جناح غالب، از طریق حذف آشکار و تحقیرآمیز رقبای درون حکومتی و افزودن بر فشارهای متعدد بر این رقبای بعد از راندن آنها، عملا در درون حکومت هم مقاومت در برابر جریان حاکم را دامن زده است. جا به جایی های گسترده در درون دستجات حکومتی طی دو سال گذشته، هنوز به نقطه "تعادل" نرسیده است و دعوادر داخل جناح غالب و در میان مجموعه جناح های رژیم استمرار خواهد یافت. در این منازعات، چگونگی برخورد به بحران بین المللی اتمی نیز مزید بر علت شده است به طوری که شکست احتمالی دولت احمدی نژاد در این زمینه می تواند به خاتمه "ماموریت" و کنار رفتن این دولت منتهی شده وصف بندیهای درونی دیگری پدید آورد. گسترش رویگردانی از حکومت مذهبی در میان طرفداران و حتی کارگزاران دیروز آن، به اشکال گوناگون، موجب تضعیف بیشتر باقی مانده پایگاه اجتماعی آن شده و می تواند به تقویت اپوزیسیون یاری رساند.

۲۴- مقاومت در برابر سیاست سرکوب و خفقان، رشد و گسترش اعتراضات در جنبش های اجتماعی مختلف و مقابله با مشکلاتی که کارگران، زنان، جوانان، وانشجویان، دانشگاهیان، معلمان، روزنامه نگاران، نویسندگان و روشنفکران جامعه با آنها دست به گریبانند، گسترده تر از آنست که جریان حاکم با توجه به شکاف در درون حکومت بتواند بر آنها غلبه کند. جنبش های مدنی و حرکت های اعتراضی کارگران و زحمتکشان با حضور خود در صحنه و با طرح خواستههایی در کسب حقوق خویش، فضای جامعه را تغییر می دهند و جو رعب و وحشتی را که هدف و ضرورت ادامه سیاست سرکوب است، درهم می شکنند. مهمتر از همه، از درون این اعتراضات، تشکلهای و نهادهای مستقلی سربرمی آورند که صرف وجود آنها نفی قدرت مطلق حکومت است.

۲۵- عملکرد رژیم جمهوری اسلامی و تجربه هشت سال دولت اصلاح طلبان حکومتی، برای همه کسانی که در اندیشه تحولات سیاسی پایداری در ایران هستند، نشان داده است که هیچ گونه تحول پایداری بدون تغییر اساس نظام کنونی

قرار کنگره در رابطه با اصلاحاتی در ساختار تشکیلاتی

ماده واحده برای بررسی ساختار تشکیلاتی و تغییر اساسنامه سازمان:

کنگره، کمیته مرکزی آینده را موظف می سازد که بررسی ساختار تشکیلاتی و ارائه اساسنامه جدید را برای انطباق اصول تشکیلاتی با شرایط جدید فعالیت سازمانی، در دستور کار گذاشته، برای آن گروهی کاری تعیین نموده و حداکثر تا ظرف ۶ ماه پیش نویس اساسنامه جدید را ارائه داده و با زمانبندی معین (حداکثر ۶ ماه) به بحث در تشکیلات برای تصویب بگذارد. در این فاصله چهارچوب "طرحی برای اصلاحاتی در ساختار تشکیلاتی"، راهنمای فعالیت تشکیلاتی قرار خواهد گرفت.

طرحی برای اصلاحاتی در ساختار تشکیلاتی

مقدمه:

یکی از مباحث کنگره، ارائه طرحی برای اصلاحات در ساختار تشکیلاتی است. ساختاری که بتواند به وظائف امروز ما در شرایط جدید پاسخ گوید. گرچه بحث در رابطه با ساختار تشکیلات، از کنگره ششم آغاز شد، اما قطعنامه مربوط به آن با کسب ۵۰ درصد آراء موافق، نتوانست به تصویب برسد. در دور جدید کمیته تشکیلات مامور تهیه طرح اصلاحاتی در ساختار تشکیلاتی برای پیشنهاد به کنگره شده است. این کمیته ضمن بررسی تجارب دوساله و با توجه به نقاط ضعف و قوت کار گذشته، طرح حاضر را که در مواردی شامل تغییراتی در ساختار تاکنونی است، تا تهیه اساسنامه جدید، بعنوان اساس پیشبرد کار تشکیلاتی سازمان پیشنهاد می کند.

۲ ماده برای تصویب

۱- ساختار تشکیلات

ساختار سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، بر گسترش دموکراسی در مناسبات تشکیلاتی، داوطلبانه بودن پیشبرد وظایف، جلب مشارکت اعضا و استفاده از خرد جمعی در تصمیم گیری ها و انطباق روزمره با نیازهای یک تشکیلات مدرن مبتنی است. اعضا سازمان علاوه بر شرکت در ارگانها، کمیسیونها و گروههای کاری سازمانی می توانند در نهادهای دموکراتیک، نشریات، رسانه های عمومی و ... که اهداف و وظایف آنها با برنامه و پلتفرم سازمان هم راستاست فعالیت کنند و این کار جزئی از فعالیت تشکیلاتی آنها محسوب می شود. اعضای سازمان همچنین حق دارند در جلسات ارگانهائی که عضو آن نیستند نیز بعنوان ناظر شرکت کنند.

کنیم. از حقوق اقلیت های مذهبی و دیگر گروه های اجتماعی که به دلیل اعتقاد یا هر انتخاب متفاوت دیگری در زندگی شخصی، مورد پیگرد قرار می گیرند، دفاع می کنیم.

۳۲- ما، سیاست های تا کنونی جمهوری اسلامی در زمینه بحران اتمی، بی پاسخ گذاشتن مکرر درخواست های مراجع بین المللی را عامل اصلی تشدید این بحران و جاده صاف کن هر گونه اقدام مخرب، از تحریم اقتصادی تا جنگ، علیه کشورمان دانسته، راه جلوگیری از همه این مصائب را پایان دادن به آن سیاست ها می دانیم. ما در عین مخالفت قاطع با هر گونه اقدام نظامی و جنگ و با مقاصد سلطه جویانه دولت آمریکا و دیگر قدرت های جهانی، مسئول هر پیامدی از این قبیل را در شرایط کنونی رهبران جمهوری اسلامی می دانیم و معتقدیم نک تیز حمله همه نیروهای صلح دوست و مدافع منافع مردم باید متوجه جمهوری اسلامی و مبارزه برای عقب نشاندن رژیم از مواضع کنونی آن باشد. در شرایط حاکم، راه حل دیپلماتیک و سیاسی بحران اتمی و جلوگیری از تحریم و جنگ، مستلزم:

- احترام به مقاله نامه ها، پیمان ها و موازین بین المللی که ایران هم از جمله امضاکنندگان آن هاست .
- پایان دادن به سیاست تنش با مجامع بین المللی، پذیرفتن تعلیق غنی سازی اورانیوم، همکاری کامل با آژانس بین المللی انرژی اتمی، ادامه مذاکرات با اتحادیه اروپا و آغاز مذاکره رسمی و علنی با دولت آمریکا بر اساس منافع متقابل
- پایان دادن به بحران سازی در مناسبات خارجی، عدم پشتیبانی از جریانات مذهبی افراطی و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و ایجاد رابطه با تمامی کشورهای جهان بر پایه منافع متقابل
- پیوستن به تلاش های بین المللی برای صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه بر اساس قطعنامه های سازمان ملل در مورد تشکیل دو دولت اسرائیل و فلسطین، برسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل و مخالفت با اشغالگری های آن، پشتیبانی از تشکیل دولت مستقل فلسطین و مشارکت فعال در کوشش جمعی برای خاورمیانه عاری از تسلیحات اتمی است.
- ۳۳- ما از فشار سیاسی به جمهوری اسلامی برای باز کردن فضای کشور و رعایت حقوق و آزادی های مردم از طریق مجامع بین المللی استقبال می کنیم و مخالف هر گونه مداخله نظامی یا تحریم اقتصادی کشورمان، هستیم. ما معتقدیم دموکراسی در ایران نه از طریق ورود تفنگداران قدرت های خارجی، تنها با اراده و عزم ملت ایران مستقر خواهد شد. ما خواستار پشتیبانی نهادها و جنبش های مترقی بین المللی از مبارزات مردم ایران در راه دموکراسی بوده و هیچ قدرتی را جایگزین اراده ملت ایران نمی دانیم. ما مخالف هر گونه اقدامی برای آلترناتیوسازی از سوی دولت های خارجی هستیم. ما با احترام به حق تعیین سرنوشت همه ملل جهان، تعیین تکلیف با حکومت اسلامی را حق منحصر به فرد مردم ایران می دانیم.

(1) نظر اقلیت اعضای کمیسیون حذف واژه امپریالیسم از این بند در عین حفظ مضمون این بند بود.

(2) نظر دیگری در کمیسیون خواهان حذف بند های ۲۸ و ۲۹ بود و جایگزین کردن آن با جمع بندی کلی زیر بود:

"ما خواستار نزدیکی هر چه بیشتر نیروهای جمهوری خواه برای استقرار دموکراسی هستیم. تلاش در این عرصه یکی از محوری ترین عرصه فعالیت ما را تشکیل می دهد. ما در جهت همکاری، همگرایی، اتحاد گسترده، و وحدت نیروهای چپ ایران برای شکل دادن به یک قطب نیرومند مدافع حقوق کارگران و دیگر مزدبگیران ایران تلاش می کنیم"

کمیسیون تدارک سند سیاسی

۲۴ تیر ماه ۱۳۸۵ / ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶

۲- کمیته مرکزی

بالا ترین ارگان سازمان در فاصله دو کنگره بوده و تنها ارگانی است که توسط کنگره انتخاب می شود. وظیفه این کمیته، مدیریت و هدایت سیاسی - تشکیلاتی سازمان در فاصله دو کنگره، اتخاذ سیاست پیرامون عام ترین مسائل سیاسی و تشکیلاتی و تحولات جاری، رابطه با احزاب و هماهنگ کردن مجموعه فعالیت ها و مسئولیت مالی می باشد.

اعضای این کمیته شامل اعضای ثابت و علی البدل می باشد. اعضای علی البدل در تمامی جلسات و بدون حق رای شرکت می کنند. در صورت غیبت (موقت یا دائم) یک عضو اصلی، عضو علی البدل (به ترتیب آرای حاصله در کنگره) جایگزین عضو غایب (بطور موقت یا دائم) خواهد شد.

کمیته مرکزی باید اولویت ها را برای اجرای مصوبات کنگره تعیین کند و امکانات لازم را در حد امکان در اختیار مسئولین ارگانها، گروههای کاری و کمیسیونها قرار دهد.

کمیته مرکزی موظف است حداقل هر دو ماه یکبار جلسه ای برای گفت و شنود و مشورت با اعضای تشکیلات برگزار نماید. برای نظارت تشکیلات بر پیشرفت وظایف توسط کمیته مرکزی، اعضا حق دارند در تمامی جلسات این ارگان به عنوان ناظر و شنونده شرکت کنند.

با توجه به وظائف این ارگان، مسئولتهای زیر بعهدہ اعضا این کمیته می باشد. مسئولین نسبت به اجرای وظائف خویش پاسخگو هستند و می توانند برای پیشبرد کار خود به انتخاب همکار از میان اعضای سازمان مبادرت کرده و یا گروههای کاری برای مشاورت و پیشبرد کارشان تشکیل دهند.

کنگره طرح زیر را به ک. م برای سازماندهی تشکیلات پیشنهاد میکند. کمیته مرکزی می تواند در صورت لزوم و برای پیشبرد کار، تغییرات لازم را در این طرح بدهد:

- مسئول هماهنگی کمیته مرکزی: هماهنگی بین اعضای این کمیته و نیز پیگیری امور آن را بعهدہ دارد. فراخوان جلسات کمیته مرکزی، گزارش گیری از مسئولین ارگانها، گزارش جلسات، تصمیمات و اقدامات و نیز فعالیت های ارگانهای مختلف به تشکیلات را به عهده دارد. همچنین تعیین یک سیستم منسجم برای گزارش گیری و گزارش دهی و آرشو آنها و نظارت به انجام آن، در حیطه مسئولیت وی می باشد. مسئول هماهنگی کمیته مرکزی برای پیشبرد وظائف خویش می تواند گروههای کاری تشکیل داده، یا از گروههای کاری موجود، کمک بگیرد. مسئول هماهنگی از طرف اعضای کمیته مرکزی انتخاب می شود و بنابراین وی باید قبل از تقسیم مسئولیتهای دیگر، انتخاب شود. سایر مسئولیتهای کمیته مرکزی، بین آنان تقسیم خواهد شد. تجربه و علائق اعضای کمیته مرکزی، بین آنان تقسیم خواهد شد. تغییر مسئول هماهنگی یا مسئولیتهای دیگر در صورت ضرورت و موافقت اکثریت کمیته مرکزی امکانپذیر خواهد بود.

- مسئول مالی سازمان: یک عضو کمیته مرکزی مسئول مالی سازمان خواهد بود. این عضو مستقیماً با تمام اعضا سازمان برای جمع آوری حق عضویت و کمک مالی تماس خواهد داشت. با توجه به درآمد و وضعیت مالی سازمان، برنامه ای برای تعیین بودجه در دوره دو ساله (۲ ماه پس از انتخاب) ارائه خواهد کرد. مسئول مالی موظف است گزارش ماهانه خود را به مسئول هماهنگی کمیته مرکزی ارائه کند. مسئول مالی می تواند علاوه بر جمع آوری حق عضویت، پروژه هائی

را برای دریافت کمک مالی از اعضا در نظر گرفته و اقدام به جمع آوری کمکهای داوطلبانه (در رابطه با پروژه های سازمانی و یا بیرونی، از جمله کمک به زلزله زدگان، کارگران اعتصابی و ...) کند. وی همچنین می تواند برای پیشبرد وظائف خود گروه کاری از اعضای داوطلب و صاحب تجربه و تخصص در این امر تشکیل دهد.

- مسئول تشکیلات: سازماندهی اعضا تشکیلات از طریق شرکت در کمیته تشکیلات و نیز ارتباط مستقیم با اعضای که بعلت پراکندگی جغرافیائی، فاقد واحد کشوری هستند را بعهدہ دارد. مسئول تشکیلات در کمیته مرکزی موظف است گزارشات واحدها و اعضا را جمع آوری کرده، آنها را در اختیار مسئول هماهنگی کمیته مرکزی قرار دهد. همچنین بعنوان رابط با کمیته مرکزی، ضمن شرکت در جلسات کمیته تشکیلات، آنان را در جریان کار کمیته مرکزی و تصمیمات آن قرار داده، و اجرای این تصمیمات در سطح کل تشکیلات را از این طریق هماهنگ و پیگیری نماید.

- مسئول روابط عمومی: مسئولیت رابطه با احزاب، سازمانها و تشکلهای ایرانی بعهدہ کمیته مرکزی است. کمیته مرکزی یک نفر از بین خود را مسئول پیگیری سیاستهای سازمان و تصمیمات کمیته مرکزی در این زمینه می کند که در عین حال مسئول گزارش دهی ماهانه به مسئول هماهنگی کمیته مرکزی می باشد.

- مسئول انتشارات و تبلیغات: مسئول این کمیته در جلسات کمیته انتشارات و تبلیغات شرکت کرده، انتقال مباحث نظری بین کمیته مرکزی و این کمیته را بعهدہ دارد و رابط بین این کمیته و کمیته مرکزی محسوب می شود. همچنین وظیفه گزارش گیری از آن و انتقال گزارشات به مسئول هماهنگی کمیته مرکزی از جمله وظائف وی می باشد.

- مسئول بین الملل: تشکیل و سازماندهی کمیته بین الملل بعهدہ مسئول کمیته بین الملل در کمیته مرکزی می باشد. مسئول این کمیته گزارش ماهانه فعالیتهای آنها به مسئول هماهنگی کمیته مرکزی ارائه می دهد.

- مسئول کمیسیونها و گروههای کاری: وظیفه پیگیری کار کمیسیونهای سازمان، تهیه امکانات کافی برای پیشرفت کار آنها و در صورت لزوم هماهنگی کار آنها با سایر ارگانهای سازمانی (روابط عمومی، بین الملل، انتشارات و تبلیغات) را بعهدہ دارد. همچنین کسب گزارش و انتقال آن به مسئول هماهنگی کمیته مرکزی از وظائف وی می باشد.

۲- کمیته تشکیلات:

کمیته تشکیلات مرکب از نمایندگان واحدهای کشوری است. هر کشوری که در آن حداقل ۳ عضو سازمان فعال بوده و امکان تشکیل جلسات مرتب و انجام کارهای جاری تشکیلات کشوری را دارا باشند، می تواند اقدام به تشکیل واحد کشوری کرده، نماینده خود را انتخاب کنند و به عضویت کمیته تشکیلات در آیند. نماینده واحد کشوری، عضو کمیته تشکیلات محسوب می شود. در صورتی که در فاصله دو کنگره، واحد کشوری از بین رفته، یا واحد جدیدی اضافه شود، نماینده آن کشور از کمیته تشکیلات بیرون رفته یا به آن اضافه می شود. سایر اعضا که بدلیل پراکندگی جغرافیائی یا عدم امکان و بهر علت دیگر، در واحد کشوری سازماندهی

نشده باشند، برای پیشبرد وظائف محوله، بطور مستقیم با مسئول تشکیلات در کمیته مرکزی تماس خواهند داشت و می توانند در سایر ارگانها، گروههای کاری و کمیسیونهای سازمان فعالیت کنند.

واحدیهای کشوری ضمن برگزاری جلسات مرتب، در فعالیتهای کشوری حضور داشته، با شرکت در کمیته تشکیلات آنرا در سطح کل سازمان در کشورهای مختلف هماهنگ نموده، آکسیونهای محلی از جمله مراسم مربوط به سالگردها و مناسبتها را سازمان داده و سیاستهای ارتباطی را در سطح کشوری با سازمانهای ایرانی و خارجی در هماهنگی با کمیته بین الملل و روابط عمومی، پیش می برند. برای اجرای این امر، لازم است که نمایندگان واحدهای کشوری مستقیماً با مسئولین کمیته بین الملل و روابط عمومی در کمیته مرکزی تماس بگیرند. واحدهای کشوری گزارش ماهانه فعالیت خود را به مسئول تشکیلات در کمیته مرکزی ارائه می دهند. مسئول تشکیلات گزارش واحدها و نیز فعالیت اعضای خارج از واحدهای کشوری را به مسئول هماهنگی کمیته مرکزی ارائه میدهد.

۲-۵ - کمیسیون کارگری:

کمیسیون کارگری سازمان، مسئول پیشبرد سیاست های سازمان در رابطه با مسائل کارگری و در صورت لزوم سیاست گذاری های جدید با هدف دفاع از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کارگران می باشد. کمیسیون کارگری می تواند در تمامی امور نسبت به مسائل کارگری تصمیم گیری نماید و بطور مستقل موضع گیری نماید. کمیسیون کارگری گزارش کاری خود را بطور ماهانه به مسئول کمیسیونها در کمیته مرکزی ارائه خواهد داد.

۶- گروههای کاری:

گروههای کاری برای انجام کاری موقت یا دائم با حداقل ۳ عضو تشکیل می شوند. تشکیل آنها می تواند داوطلبانه یا بنا به پیشنهاد یکی از ارگانهای سازمان صورت گیرد. گروه های کاری با توجه به حیطه کار خود، (مثلاً کار نظری) می توانند از افراد غیر عضو برای همکاری دعوت کنند. آئین نامه گروه های کار توسط خودشان تنظیم و تصویب می شود. مسئول گروههای کاری انتخابی است. گروههای کار گزارش کار ماهانه (یا پس از پایان پروژه) خود را به مسئول گروههای کاری در کمیته مرکزی ارائه می دهند.

کمیسیون تدارک "طرحی برای اصلاحاتی در ساختار تشکیلاتی"

۱۶ تیر ۱۳۸۵

۶ ژوئیه ۲۰۰۶

۳- کمیته انتشارات و تبلیغات:

کمیته انتشارات و تبلیغات، مسئولیت انتشارات الکترونیکی و چاپی سازمان را بعهده دارد. همچنین همکاری با کمیته بین الملل در انتقال ترجمه های آن به سایت سازمان و یا تقاضا برای ترجمه مطالب به فارسی و برای درج در سایت و نیز رابطه با کمیسیونها برای درج فعالیتها و مطالب آنان، از حوزه فعالیتهای این کمیته است. این کمیته مسئولی را از بین خود برای پیشبرد امور جاری خویش انتخاب می کند. این کمیته گزارشات خود را به مسئول آن در کمیته مرکزی ارائه خواهد داد.

۴- کمیته بین الملل:

مسئولیت هماهنگی و ارتباطات سازمان با احزاب، سازمانها و رسانه های خارجی با کمیته بین الملل است. این کمیته مسئولیت ترجمه مواضع سازمان به زبانهای گوناگون را، در رابطه با مسائل مشخصی که نیاز به تبلیغات در سطح بین الملل موجود می باشد، به عهده دارد. این مطالب بایستی بطور منظم و در حد امکان برای این مراکز ارسال شود. همچنین در صورت تقاضای کمیته انتشارات و تبلیغات برای ترجمه مطالب و انتشار آنها در سایت سازمان، این کمیته را پشتیبانی می کند.

وظیفه این کمیته همچنین بررسی روابط بین المللی موجود سازمان، هماهنگی فعالیتهای بین المللی و بررسی امکان گسترش آنها می باشد. این کمیته از اعضای داوطلب در کشورهای مختلف تشکیل می دهند.

۵- کمیسیونهای سازمان:

کمیسیونهای سازمان بر اساس آئین نامه مصوب کمیسیونها فعالیت خواهند کرد.*

اعضای کمیسیونها تلاش می کنند این کمیسیونها را از حوزه سازمانی خارج کنند و با تشکلهای یا افرادی که در این حوزه ها کار تخصصی می کنند، فعالیت مشترک انجام داده، بدنبال راههایی برای گسترش و اثرگذاری هرچه بیشتر آنان باشند.

۱-۵- کمیسیون زنان:

کمیسیون زنان سازمان، مسئول پیشبرد سیاست های سازمان در رابطه با مسائل زنان و در صورت لزوم سیاست گذاری های جدید با هدف دفاع از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان می باشد.

* کمیته تشکیلات برای اولین بار این آئین نامه را تنظیم کرد که به تصویب کمیته مرکزی نیز رسید.

بررسی، تدقیق و تکمیل این آئین نامه بر اساس اساسنامه جدید نیز از وظائف کمیسیون تنظیم اساسنامه آئی طبق قرار کنگره است.

اصول ناظر بر چگونگی تشکیل کمیسیونها

۱- کمیسیونها با پیشنهاد کمیته تشکیلات و توافق کمیته مرکزی و یا پیشنهاد کمیته مرکزی تشکیل می شوند.

۲- کمیسیونها با حداقل ۳ عضو تشکیل می شوند.

۳- کمیسیونها باید برنامه عمل داشته باشند و در فعالیتهای هماهنگی لازم برخوردار باشند.

۴- مسئول کمیسیون باید عضو سازمان باشد.

۵- کمیسیونها از دوستان و نزدیکان سازمان می توانند عضوگیری کنند.

۶- اعضا در کمیسیونها از حق رای برخوردار هستند.

۷- صدور اطلاعیه در کمیسیونها، در چهارچوب اسناد سازمان و با هماهنگی و مسئولیت مسئول کمیسیون صادر می گردد.

۸- پس از سه بار اخطار کمیسیون، مبنی بر اینکه فعالیتهای کمیسیون پیش برده نمی شود، کمیته تشکیلات در خصوص چگونگی ادامه فعالیت کمیسیون تصمیم می گیرد.

قطعنامه در باره:

ائتلاف ها و وحدت حزبی

۱- اتحاد وسیعی از جریانات و نیروهای چپ دمکرات و آزادخواه

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، از بدو پیدایش تا کنون، برای شکل‌گیری اتحادی دمکراتیک از سازمانها و احزاب دمکراتیک و انقلابی تلاش زیادی کرده است. حاصل این تلاشها در سال ۱۳۷۸ شمسی به توافق حول قرار داد «اتحاد عمل پایدار سیاسی» بین حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران-راه کارگر و ما انجامید، که فعالیتهای خود را تحت نام «کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی» ادامه داد. اگر چه این اتحاد تقریباً به سه سازمان سیاسی محدود ماند ولی از همان ابتدا سازمان ما در فکر گسترش صفوف آن بود. اما مشکلات این اتحاد بیش از آن بود که تلاشهای ما بتواند بر آنها غلبه کند. در یک تحلیل کلی، مشکل اصلی «اتحاد عمل برای دمکراسی» را می‌توان در برداشتهای متفاوت اعضاء آن از هدف و چشم انداز آن ارزیابی کرد. سازمان ما و حزب دمکرات کردستان این اتحاد را در چارچوب همکاریهای جبهه‌ای با هدف فراروئیدن به یک آلترناتیو دمکراتیک می‌دیدند، درحالیکه سازمان راه کارگر اساساً چنین نظری نداشت و از آنجا که با تشکیل جبهه‌ای فراطبقاتی مخالف بود، این اتحاد را نه تنها در این راستا نمی‌دید، بلکه تلاش می‌کرد تا به چنین راهی نیز نرود. این «استخوان لای زخم» عملاً امکان فعالیت و حرکت جدی را از این اتحاد سلب کرده بود. از این رو گسترش این «اتحاد» و جلب نیروهای دیگر به آن با موانع جدی روبرو می‌شد.

علیرغم مشکلات برشمرده، در سال ۱۳۸۲ تلاشهایی برای گسترش کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی آغاز شد، و نهایتاً به نتیجه نرسید. این در حالی بود که «کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی» از مدتی قبل با بحران درونی روبرو بوده و هیچگونه فعالیتی نداشت. شکست مذاکرات برای گسترش آن، عملاً آن را به تعطیلی کشاند.

سه سازمان توافق کردند تا در چارچوب دیگری برای شکل‌گیری یک اتحاد وسیع تلاشهای خود را از سر گیرند، ولی سیر حوادث و تحولات گوناگون، زمان لازم برای نتیجه‌گیری از این تلاشها را نداد و نهایتاً با انتشار پیام آقای مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران به رئیس جمهور امریکا، سازمان راه کارگر به همکاری خود با «کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی در ایران»، به این دلیل که بند هشتم پلانفرم از طرف حزب دموکرات کردستان ایران نقض شده است، خاتمه داد. ما نیز انتقاد و نگرانی خود را طی نامه‌ای به دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران اعلام نمودیم، اما بر این باور بوده و هستیم که همکاری و سوابق این سه حزب و سازمان عمیق‌تر از آن است که با یک موضع‌گیری سیاسی خاتمه پیدا نماید.

ما بر آن بودیم که حداقل می‌بایست پایان تلاشهای مشترک هشت ساله را با یک بررسی و جمع‌بندی مشترک، اعلام کنیم، متأسفانه چنین نشد. با این حال بدنبال خروج راه کارگر از قرار داد اتحاد عمل پایدار سیاسی درست این بود که ما انحلال این کمیته و دلایل آن را منتشر می‌کردیم.

اکنون همکاری محدودی بین ۴ حزب و سازمان (حزب دموکرات، کومه‌له، اکثریت و ما) وجود داشته و زمینه گسترش آن وجود دارد. ضروری است با دیگر احزاب و سازمانها، محافل و فعالین جمهوری خواه و چپ برای شکل دادن به یک ائتلاف وسیع گفت و گو شود و ظرف سال آتی به ارزیابی از پیشرفت کار بنشینیم. هدف ما شکل‌گیری اتحادی وسیع از جمهوری خواهان برای استقرار دموکراسی در ایران است.

در تجربه بیش از یک دهه تلاش برای شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع، عوامل گوناگونی و از جمله سوابق سیاسی، اختلافات نظری، برنامه‌ای، روابط محفلی و غیره گاه به تنهایی و گاه با هم، مانع از موفقیت این تلاشها شده‌اند. پیچیدگی کار سیاسی و تحولات دائمی چه در سطح جامعه و حکومت و چه در درون نیروی سیاسی به صورت دائم پارامترهای نزدیکی و دوری سازمانها را تغییر می‌دهند. تجارب نشان می‌دهد که هیچ فرمول ثابت و از پیش تعیین شده‌ای برای شکل‌گیری ائتلاف سیاسی وجود ندارد و متغیرهای متعددی در لحظه در موفقیت یا شکست این تلاشها نقش بازی می‌کنند. به همین دلیل راهی جز ادامه تلاشهای فوق وجود ندارد. سازمان ما می‌بایست با تکیه بر پرسنهایی که در سند کنگره ششم برای یک ائتلاف وسیع، بر آنها تأکید شده است همچنان برای شکل‌گیری یک ائتلاف وسیع تلاش کند. کمیته مرکزی آینده باید تلاشهای تاکتونی را دنبال کند.

۲- همکاری چپ

در زمینه ائتلافها و همکاری‌های موردی بین سازمانهای چپ تا کنون تلاشهای پراکنده‌ای صورت گرفته است. اما هیچیک به نتیجه مطلوبی نرسیده است. در این سالها بیشتر همکاری سازمانهای چپ با یکدیگر در چارچوب حرکت‌های دمکراتیک و در درون انجمن‌های دمکراتیک صورت گرفته است.

در زمینه «اتحاد و ائتلاف چپ» سازمان ما کارنامه قابل عرضه‌ای ندارد. در این زمینه تمایل جدی متقابلی برای همکاری یا ائتلاف بین سازمانهای سیاسی چپ وجود نداشته است. علاوه بر عوامل بیرونی. در درون ما نیز یک نظر واحد، یک برداشت یکسان و یک تعریف مشترک از «ائتلاف چپ» وجود ندارد. این اختلافات باعث شد تا در درون سازمان اراده موثری برای پیشبرد این مسئله شکل نگیرد. ضمن آن که در بیرون نیز شرایط و زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری یک «ائتلاف چپ» آماده نبود و نتیجتاً این وظیفه در عمل پیش نرفت.

در چند سال اخیر اما، زمینه تفاهم و نزدیکی برنامه‌ای و بویژه توافق بر سر یک برنامه سیاسی در درون جنبش چپ ایران و بویژه چهار سازمان سیاسی چپ یعنی کوموله، شورای موقت سوسیالیستها، اکثریت و ما، دیده می‌شود. از این رو زمینه‌ی نزدیکی، همکاری و هماهنگی فعالیت‌های سیاسی و نظری بین نیروهای چپ از گذشته آماده‌تر است اما هنوز موانعی بر سر راه همکاری گسترده و همه‌جانبه این چهار سازمان سیاسی، وجود دارد.

ما بر لزوم، همکاری و هماهنگی نیروهای چپ، بویژه چهار سازمان فوق، که نزدیکی بیشتری دارند، تأکید داریم. در این رابطه لازم می‌دانیم که همکاری‌ها را در هر سطحی که ممکن باشد، از گفتگو و دیالوگ گرفته تا فعالیت‌های مشترک در زمینه مسائل کارگری، زنان، جنبش‌های اجتماعی، مسائل نظری، تبلیغاتی و انتشاراتی و غیره تشدید کرده و تلاش خود را برای یافتن زمینه‌ی تفاهم بین نیروهای چپ افزایش دهیم.

در زمینه وحدت، در چند سال گذشته تمایلاتی در بین بخشی از نیروهای سیاسی چپ و سازمان ما برای غلبه بر پراکندگی و لزوم تلاش در جهت وحدت حزبی شکل گرفته است. تحولات سیاسی و تحولات بخشی از نیروهای سیاسی نیز چشم‌اندازهای مثبتی را گشوده است. سازمان ضمن تلاش برای گسترش همکاری‌ها بین سازمانهای سیاسی چپ و بویژه چهار سازمان سیاسی چپ فوق‌الذکر، به مسئله وحدت در چپ توجه داشته و هر آینه فعالیتها و اقدامات مشترک با دیگر سازمانهای سیاسی به سطحی رسید که زمینه وحدت سازمانی را مهیا کرد، کمیته مرکزی آینده سازمان تلاشهای خود را برای رفع موانع پیشروی آن متمرکز خواهد کرد.

کمیسون تدارک سند اتحاد و ائتلاف

۲۶ خرداد ۱۳۸۵ / ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶